فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۳۳ - ۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۳۰۱

تحلیل بهترین انتخاب سیاست خارجی قطر در قبال ایران و عربستان سعودی در چارچوب نظریه بازی‌ها

رضا اختیاری امیری[۱]
استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)
احمد رشیدی[۲]
دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
محمدرضا محمدی[۳]
کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۸ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۵**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

در طول یک دهه اخیر قطر تلاش کرده است تا خود را به عنوان یک کنشگر مهم منطقه‌ای معرفی نموده و نقش موثری را در تحولات ژئوپلتیک خاورمیانه ایفاء کند. اما این رویکرد در تعارض و تقابل با سیاست‌های بازیگران قدرتمند سنتی منطقه نظیر ایران و عربستان سعودی قرار داشته است. هدف مقاله تحلیل سیاست خارجی قطر و مشخص کردن بهترین انتخاب سیاستگذاران این کشور در قبال ایران و عربستان می‌باشد. در همین چارچوب، سوال اصلی بر این مبنا قرار دارد که با توجه به جایگاه و نقش کنونی قطر در منطقه و رقابت همزمان آن با ایران و عربستان، بهترین انتخاب سیاست خارجی این کشور در قبال رقبای منطقه‌ای چه می‌باشد؟ یافته‌ها مبین این واقعیت است که بهترین گزینه قطر در عرصه سیاست خارجی ایجاد یک رابطه نسبتا متعادل با ایران و عربستان می‌باشد؛ البته این رابطه باید بیشتر متمایل به عربستان باشد. به عبارتی، این کشور باید تلاش کند رویکردی را در عرصه سیاست خارجی اتخاذ کند که منجر به نزدیکی بیشتر به عربستان همراه با تامین رضایت نسبی ایران در رقابت‌های منطقه‌ای گردد. دوری یا نزدیکی بیش از اندازه به هریک از این کنشگران اصلی منطقه می‌تواند امنیت و منافع ملی قطر را با تهدید مواجه سازد. جهت تحقق هدف، دوحه می‌تواند از ظرفیت‌ها و ابزارهای سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای خود استفاده نماید. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از رهیافت نظریه بازی‌ها جهت تحلیل موضوع پژوهش استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی قطر، عربستان سعودی، ج.ا.ایران، نظریه بازی‌ها، خاورمیانه

1. r.ekhtiari@umz.ac.ir
2. a.rashidi@umz.ac.ir
3. mohammadrezamohammadi13681989@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

مقدمه

قطر یکی از کشورهایی است که در چند سال اخیر با ایفای نقش‌هایی فراتر از جایگاه و ظرفیت‌هایش، توانسته است وزن و تأثیرگذاری خود را از سطح یک کشور کوچک و ذره‌ای به سطح فعال منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقاء بخشد. به عبارتی، در یک دهه اخیر، قطر توانسته به خوبی از مولفه‌های قدرت نرم خود مانند کمک‌های مالی، ابزار قدرتمند شبکه تلوزیونی الجزیره(Elshenawy, 2017: 9)، دیپلماسی عمومی فعال و ایجاد روابط مستحکم با قدرت‌های جهانی، بهره برده و با وجود محذورات مولفه‌های قدرت، مانند جمعیت کم و وسعت سرزمینی اندک، خود را به عنوان بازیگر مهم منطقه‌ای مطرح نماید(Ulrichsen, 2012:11؛ Wehrey, 2014: 85). البته حضور فعال و موثر در تحولات منطقه‌ای، مشکلاتی نظیر آن چه که اصطلاحا با عنوان «بحران خلیج فارس» از آن یاد می‌شود، نیز گشته است. به عقیده بسیاری از کارشناسان، بحران روابط قطر با چند کشور حوزه خلیج فارس در سال ۲۰۱۷، نتیجه موفقیت‌های این کشور در عرصه سیاست خارجی، و تبدیل شدن آن به بازیگری تاثیرگذار در کنار دیگر بازیگران سنتی منطقه از جمله عربستان سعودی و ایران است.

همکاری و ائتلاف‌سازی با قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای، تلاش برای میانجیگری در بحران‌ها و منازعه‌های منطقه–ای، توازن و تعادل و ارتباط‌گیری با تمام قدرت‌های منطقه‌ای و تصویرسازی از خود در عرصه بین‌المللی از جمله سیاست‌ها و رفتارهای مهم قطر در عرصه سیاست خارجی است (اسدی،۱۳۹۰: ۱۱۳). واسطه‌گری در کنار بی طرفی، به عنوان استراتژی دوحه، این امکان را به قطر داده است تا اعتماد میان طرف‌های درگیر را آسان‌تر ایجاد کند (Cooper & Momani, 2011:37). در واقع، وساطت و میانجیگری میان طرف‌های داخلی درگیر در کشورهای منطقه و ارسال کمک‌های بشردوستانه و مالی برای حفظ و تحکیم روابط خارجی، یکی از مهم‌ترین شیوه‌هایی است که قطر در سیاست خارجی خود مورد استفاده قرار می‌دهد؛ و به عنوان ویژگی کلیدی سیاست خارجی این کشور مطرح بوده و هست(Abdullah, 2014:17). دوحه علاوه بر وساطت، سیاست درهای باز به روی بازیگران سیاسی مختلف و اغلب متضاد در منطقه را در پیش گرفته است. به طور مثال، دفتر تجاری اسرائیل در این کشور قرار دارد و همزمان پایگاهی برای رهبری حماس در خاک خود فراهم کرده است(Rabi,2009: 66). همچنین قطر در جریان حمله ناتو به لیبی با هدف سرنگونی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

رژیم قذافی علاوه بر کمک‌های لجستیکی، به طور مستقیم وارد جنگ علیه این کشور شد و پس از سرنگونی رژیم لیبی، با تاسیس شبکه‌های ماهواره‌ای ویژه برای پوشش اخبار این کشور، و با حمایت از برخی گروه‌ها، به دخالت‌هایش در امور داخلی لیبی ادامه داد(Young, 2015: 43). اقدامات و مداخلات قطر در سوریه پس از تحولات سال ۲۰۱۱ نیز، نمونه روشنی از تلاش این کشور برای حفظ موقعیتش در منطقه است. قطر در سوریه نه تنها فعالانه در تسلیح شورشیان سوریه و ارتش آزاد نقش داشته است، بلکه با موفقیت، ایجاد یک سازمان جامع که احزاب مختلف مخالف سوریه را متحد کند را وساطت کرد(Steinberg, 2012:71).

اما سیاست‌های قطر طی سال‌های گذشته و سهم‌خواهی و تعریف جایگاه مشخص و به تبع آن ایجاد نقشی جدید برای خود در منطقه و در عرصه بین‌الملل و تلاش نخبگان سیاسی جهت تبدیل این کشور کوچک حاشیه جنوبی خلیج فارس به یک «بزرگ کشور کوچک» در مهم‌ترین و کانونی‌ترین جغرافیای جهان، تقابلی اجتناب–ناپذیر را با قدرت‌های سنتی منطقه نظیر جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی فراهم آورد که برآیند آن افزایش تنش‌ها و نهایتا مواجه شدن قطر با چالش جدی در عرصه سیاست خارجی بوده است. با توجه به این موضوع، پژوهش حاضر درصدد است تا به تحلیل سیاست خارجی قطر در رقابت و تقابل با ایران و عربستان سعودی بپردازد. به عبارتی، هدف پژوهش تحلیل سیاست خارجی قطر و مشخص کردن بهترین انتخاب ممکن توسط سیاستگذاران این کشور جهت مواجهه با رقبای منطقه‌ای، یعنی ایران و عربستان، در ژئوپلتیک خاورمیانه می‌باشد. در همین رابطه، سوال اصلی بر این مبنا قرار گرفته است که با توجه به جایگاه و موقعیت کنونی قطر و رقابت همزمان این کشور با ایران و عربستان، بهترین انتخاب دوحه در عرصه سیاست خارجی در مواجهه با رقبای منطقه‌ای چه می‌باشد؟ فرضیه پژوهش بدین صورت مطرح می‌گردد که بهترین انتخاب سیاست خارجی قطر تعادل در روابط این کشور با ایران و عربستان و پرهیز از خصومت و تنش جدی با هریک از این قدرت‌های منطقه‌ای است.

اهمیت موضوع ناشی از جایگاه و نقش ویژه قطر و تاثیرگذاری این کشور در معادلات ژئوپلتیک خاورمیانه است. اگرچه قطر به لحاظ وسعت سرزمینی کوچک است، اما از امکانات و ظرفیت‌های دیپلماتیک و غیردیپلماتیک قدرتمندی برخوردار می‌باشد که آن را به یک کنشگر مهم منطقه‌ای تبدیل کرده است. با توجه به فضای خصومت‌ورزی علیه ج.ا.ایران

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

در منطقه و عرصه بین‌المللی بویژه تقابل ریاض و دیگر کشورهای عرب منطقه‌ای با تهران، بررسی سیاست خارجی قطر و تحلیل گزینه‌های عرصه دیپلماسی این کشور می‌تواند به سیاستگذران ایران کمک نماید تا بهترین تصمیم را جهت تامین حداکثری منافع اتخاذ نمایند. در واقع مطالعه و شناسایی نوع بازی قطر با ایران و عربستان بستری فراهم می‌سازد تا تصمیم‌گیرندگان عرصه دیپلماتیک، بهترین تصمیم را اتخاذ نمایند.

۱. پیشینه پژوهش

ابوالفتحی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله « مطالعه تطبیقی سیاست خارجی عربستان و قطر» سیاست خارجی این دو کشور را در قبال تحولات موسوم به بهار عربی مورد مقایسه قرار دادند. به اعتقاد نویسندگان عربستان سعودی به عنوان یک کشور محافظه‌کار که همواره به دنبال سیاست حفظ وضع موجود در منطقه بوده با شروع تحولات در منطقه به منظور حفظ موازنه قوا به سیاست تهاجمی در منطقه روی آورده است. اما قطر که به عنوان دولتی میانجیگر در منطقه شناخته می‌شود، تحولات منطقه را فرصتی مناسب برای افزایش نقش و جایگاه خود ارزیابی کرد. بر اساس یافته‌های پژوهش، این دو کشور با وجود اختلافات ایدئولوژیکی، با هدف ارتقای جایگاه منطقه‌ای خود و حذف رقبا وارد بحران‌های منطقه‌ای شدند. اما سیاست‌های دوحه و ریاض منجر به تشدید درگیری در منطقه شده و که این موضوع از یک سو این دو کشور را در مقابل هم قرار داده و از سوی دیگر منافع آنها را با خطر مواجه ساخته است.

مظاهری(۱۳۹۶) در مقاله خود تحت عنوان «سیاست خارجی نوین قطر در خاورمیانه»، اشاره دارد: سیاست خارجی و منطقه‌ای قطر در یک سال گذشته ادامه سیاست‌هایی است که این کشور در یک دهه اخیر و بویژه پس از روند بیداری اسلامی در پیش گرفته است. بر خلاف دهه‌های گذشته که قطر بیشتر نقش یک میانجی را در بین کشورهای همسایه و مسلمان ایفا می‌نمود، در سال‌های اخیر این کشور کوشیده است تا فعالانه به بحران‌های منطقه‌ای وارد شده و نقش برجسته‌تری در جهت‌دهی به آنها ایفاء کند. ریشه چنین تغییر رویکردی نیز به سیاست‌های حاکمان این کشور یعنی «حمد بن خلیفه آل ثانی» و پسرش «تمیم آل ثانی» باز می‌گردد که کوشیدند با ترکیب فاکتورهای قدرت سخت و نرم در منطقه،

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

به قطر قدرتی ببخشند که مایه نگرانی کشورهای عرب رقیب گردید. ساعی و رضی (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان « تعامل اقتصاد، سیاست خارجی و امنیت دولت ذره‌ای قطر، قبل و پس از سال ۲۰۱۱»، بیان می‌دارند که اگرچه محیط داخلی قطر از اعتراض‌های سال ۲۰۱۱ خاورمیانه و شمال آفریقا تاثیر نپذیرفت، اما سیاست خارجی این کشور متاثر از اعتراض‌های منطقه‌ای تغییر یافت. دولت قطر با بهره‌گیری از اقتصاد قوی، عملگرایی در سیاست خارجی را در قالب میانجی‌گری در بحران‌های جهان عرب اتخاذ کرد و تلاش نمود از خود تصویر کشوری صلح‌ساز ارائه کند. این هم‌پوشانی موفق، قبل از سال ۲۰۱۱، در تامین امنیت دولت قطر در محیط پرتنش خاورمیانه نیز موثر بوده است. وقوع اعتراض‌های ضدحکومتی در جهان عرب در سال ۲۰۱۱، موجب چرخش قطر در عرصه سیاست خارجی از بازیگر صلح‌ساز به بازیگر دخیل در ایجاد هرج و مرج منطقه‌ای گردید، که در این راهبرد نیز عنصر اقتصاد نقش اصلی را ایفا نمود. این چرخش ناگهانی در راهبرد سیاست خارجی، سبب افزایش تهدیدهای امنیتی علیه دولت قطر در دو بعد داخلی و منطقه‌ای شد.

کنث کاتزمن[1] (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان « قطر: حکمرانی، امنیت و سیاست ایالات متحده آمریکا»، بیان می‌دارد که منابع مالی قطر نقش مهمی در اتخاذ سیاست خارجی مستقل این کشور در منطقه داشته است. همچنین، قطر در تحولات منطقه‌ای نقش مهمی را در سال‌های اخیر ایفاء کرده است. این کشور همزمان با حفظ رابطه مداوم با ایران، تلاش داشته تا با حمایت از سیاست‌های آمریکا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، نفوذ منطقه‌ای را محدود کند. سیاست‌های مستقل قطر در منطقه، سبب واکنش کشورهای عربی بویژه عربستان سعودی شده است که نهایتا منجر به بحران سال ۲۰۱۷ و قطع روابط با قطر گردید. قطر جهت مقابله با فشارهای عربستان و متحدانش، روبط خود را با ایران و ترکیه تحکیم بخشیده است. فیصل ابو صلیب (۲۰۱۷) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان « فهم سیاست خارجی قطر(۱۹۹۵-۲۰۱۷)» به علل تغییر سیاست خارجی قطر از محافظه‌کاری و دولت حاشیه‌ای به یک بازیگر فعال منطقه‌ای و جهانی از سال ۱۹۹۵ می‌پردازد. نویسنده در میان عوامل مختلف تاثیرگذار بر تغییر سیاست خارجی قطر، تاکید زیادی بر نقش «شیخ حمد» بر سیاست خارجی دارد. از دیدگاه نویسنده، حمد، که فردی بلندپرواز بود، پس از به قدرت

1. Kenneth Katzman

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

رسیدن در سال ۱۹۹۵ چشم انداز جدیدی را برای سیاست خارجی کشور تعیین کرد تا متمایز از همسایگانش باشد. شیخ حمد، برخلاف پدرش، تلاش کرد تا قطر را از زیر سایه عربستان خارج کند و سیاست مستقلی را اتخاذ نماید. اگرچه در سال ۲۰۱۳ وی به نفع پسرش «شیخ تمیم» کناره گیری کرد، اما کماکان نقش مهمی در سیاست خارجی قطر ایفاء می‌کند. برند کاسلر[1](۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان «ریشه‌یابی سیاست خارجی قطر و تاثیر آن بر امنیت منطقه‌ای» به مطالعه دولت‌های کوچک و تلاش آنها جهت کسب موقعیت و امنیت در روابط بین‌الملل می‌پردازد و موضع‌گیری دیپلماتیک قطر در قبال ایران، آمریکا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده معتقد است که قطر برخلاف عرف کشورهای کوچک، خواستار نقش حاشیه‌ای در اتحادها و خصومت‌های منطقه‌ای نیست، بلکه قطر بدنبال یک سیاست خارجی مستقل و تاثیرگذار در داخل و خارج از منطقه خاورمیانه می‌باشد. در همین رابطه قدرت نرم قطر نقش مهمی در سیاست خارجی این کشور ایفاء می‌کند. سیاست خارجی مستقل قطر سبب به چالش کشیده شدن این کشور توسط قدرت‌های منطقه‌ای نظیر عربستان سعودی شده‌است. بررسی ادبیات موجود حاکی از آن است که اگرچه نویسندگان داخلی و خارجی از جنبه‌هاب مختلفسیاست خارجی قطر را مورد مطالعه قرار داده‌اند، اما هیچ یک از آنها از منظر موضوع پژوهش حاضر سیاست خارجی این کشور را مورد بررسی قرار نداده‌اند. بنابراین پژوهش از نوآوری برخوردار بوده و همچنین می‌تواند به توسعه ادبیات مرتبط با موضوع کمک کند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری شده است. برای تحلیل موضوع پژوهش از رهیافت نظریه بازی‌ها که برگرفته از علوم ریاضی است، استفاده شده است. در این رهیافت به تجزیه و تحلیل عددی داده‌ها خواهیم پرداخت و در آخر نتیجه تحلیل عددی را به عنوان بهترین انتخاب قطر در منطقه و در قبال ایران و عربستان سعودی بررسی خواهیم کرد. در خصوص بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها، به عنوان چارچوبی برای تحلیل بهترین انتخاب سیاست خارجی، مطالعات علمی روز دنیا از روش‌های

1. Bernd Kaussler

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

مدل سازی که طی سال‌های گذشته رایج شده فاصله گرفته است. در روش مطالعات گذشته، بر اساس تحلیل روندهای سیاسی، در بازه‌های زمانی مشخص، یکی از بازی‌ها (شکار گوزن، بازی بزدل، بن‌بست و ...) انتخاب، و بر رفتار سیاسی بازیگر اجرا می‌شد. در این گونه از مطالعات، نگاه به گذشته اساس پژوهش‌ها قرار می‌گرفت و با استفاده از بازی‌های از پیش طراحی شده، به تحلیل آینده پرداخته می‌شد. اما در روش‌های جدید، بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها، بیشتر گرایش‌های آینده‌پژوهانه، مستقل از بازی‌های از پیش نوشته شده دارد. در واقع، روندهای نوین مطالعات سیاست بین‌الملل با رویکرد آینده‌پژوهانه و با بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها، بیشتر به ریاضیات و کد نویسی‌های رایانه‌ای نزدیک شده است.

روندی که پژوهش حاضر طی کرده نیز به مطالعات نوین حول موضوع نظریه بازی‌ها نزدیک است، و طی آن سعی شده با کمک توابع ریاضی و ارایه مدلی برای کمی‌سازی متغیرهای کیفی سیاست خارجی، کدهایی نوشته شود که امکان برنامه‌نویسی رایانه‌ای آن نیز وجود دارد. در این روش، ابتدا کمی‌سازی و ارزیابی تقابل استراتژی‌ها در منافع سه کشور قطر، ایران و عربستان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این روش از تعادل نش استفاده شده است. مفهوم تعادل نش برای تجزیه و تحلیل نتایج اثر متقابل استراتژیک چندین تصمیم گیرنده استفاده شده است. به عبارت دیگر، این راهی برای پیش‌بینی این است که اگر چند نفر یا چندین تصمیم ساز که در تصمیم‌گیری‌های هم‌زمان هستند و پیامدهای تصمیمات آن‌ها وابسته به تصمیم‌های دیگران است چه نتایجی را خواهد داشت. نگرش ساده و ایده اساسی «جان نش» مبدع این مفهوم این است که اگر ما تصمیم‌های تصمیم گیرندگان مختلف را به صورت جداگانه تحلیل کنیم در نتیجه نمی‌توانیم نتیجه انتخاب‌های آنان را پیش‌بینی کنیم. در عوض، ما باید بپرسیم آنچه که هر کدام از بازیکنان انجام می‌دهد، با در نظر گرفتن تصمیم گیری‌های دیگران است.

۳. رهیافت نظری: نظریه بازی‌ها

انسان‌ها همواره در کنش و واکنش‌های متقابل برای دستیابی به سود یا کاهش زیان خود در تعاملات و زندگی اجتماعی خود بوده‌اند. زندگی اجتماعی انسان‌ها دارای طیف وسیعی از همکاری و مناقشه است که در بستر یک بازی شکل می‌گیرد. انسان‌ها به عنوان بازیگران

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

این بازی در مقابل یا کنار هم قرار می‌گیرند، با هم همکاری می‌کنند یا در مقابل یکدیگر می‌ایستند. این تعاملات پیچیده دانشمندان را بر آن داشت تا به درک مبانی و ریشه‌های همکاری و منازعه میان انسان‌ها پرداخته و آن را در قالب نظریه‌هایی ساختاربندی و تحلیل نمایند. نظریه بازی‌ها حاصل یکی از این کوشش‌هاست. نظریه بازی‌ها شاخه‌ای از ریاضیات کاربردی است، که در دهه ۱۹۲۰ با کارهای «جان فوربس نش»[1]، «فن نویمان»[2] و «امیل بور»[3] آغاز شد. آنها سعی کردند که کاربردهای بالقوه اقتصادی و نظامی نظریه بازی‌ها را تشخیص دهند (Poundstone, 1993: 56). این نظریه از بدو پیدایش، توجه متخصصان را، به طور فزاینده‌ای، در رشته‌های مختلف در علوم اجتماعی به ویژه اقتصاد، روان‌شناسی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و فلسفه به خود معطوف ساخت(Fisher, 2008: 6). اوج توجه و استفاده از نظریه بازی‌ها در دهه ۱۹۷۰ است. یعنی زمانی که رهیافت رفتارگرایی در مطالعات روابط بین‌الملل درکانون توجهات اندیشمندان قرار داشت. اما از دهه ۱۹۸۰ با ظهور نظریات انتقادی، پسانوگرایی و سازه‌انگاری از اعتبار این نظریات و کاربرد آن‌ها کاسته شده است. با این حال، همچنان نظریه بازی‌ها به عنوان بخشی از علم، سیر تکاملی خود را طی می‌کند(ونتسل،۱۳۷۳).

نظریه بازی‌ها، مطالعه مدل‌های ریاضی درگیر و همکار در روش تصمیم‌گیری و انتخاب هوشمندانه و منطقی تصمیم‌گیرندگان در یک بازی است (Myerson, 1991). به عبارت دیگر، نظریه بازی‌ها در تلاش است تا با ابزار ریاضیات، رفتار را در شرایطِ راهبردی یا در یک بازی که در آنها موفقیتِ فرد در انتخاب کردن، وابسته به انتخاب دیگران می‌باشد، برآورد کند. این نظریه در تلاش است تا رفتار ریاضی حاکم بر یک موقعیت استراتژیک (تضاد منافع) را مدل‌سازی کند. این موقعیت، زمانی پدید می‌آید که موفقیت یک فرد وابسته به راهبردهایی است که دیگران انتخاب می‌کنند. نظریه بازی‌ها توجه خود را بر یک سیاستگذاری عقلایی متمرکز می‌سازد و سعی می‌کند استراتژی‌هایی را به طرفین پیشنهاد دهد که بیشترین مطلوبیت را برای بازیگران به همراه داشته باشد. این همان حلقه واصل بین این نظریه و محققان علوم سیاسی است. سیاستمداران و محققان این رشته، توجه خاصی به تصمیمات، تصمیم‌گیری،

1. John Forbes Nash
2. Van Neumann
3. Emile Borel

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

همکاری‌ها و تعارضات دارند و این نظریه به خوبی به تحلیل و توضیح این تعاملات می‌پردازد. عملاً تمامی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل که به مفید بودن نظریه بازی‌ها قائلند، در این موضوع توافق دارند که روابط بین‌الملل را به بهترین نحو می‌توان در قالب یک بازی چند نفرهٔ با حاصل جمع غیر صفر مفهوم‌بندی کرد؛ یک بازی که در آن امتیازات حاصل شده برای برخی از طرف‌ها، لزوماً از کیسهٔ دیگر بازیکنان نمی‌رود. مارتین شوبیک معتقد است که «بیشتر پدیده‌های اجتماعی ... را می‌توان به کم بازی‌های با حاصل جمع متغیر نمایش داد. به عبارت دیگر ستارهٔ سرنوشت و اقبال طرف‌های دخیل [در آن پدیدهٔ اجتماعی] به راحتی می‌تواند با هم طلوع یا افول کند. هیچگونه تقسیم کامل به گروه‌های کاملاً متضاد وجود ندارد(Shubik, 1964: 247). یک بازی شامل مجموعه‌ای از بازیکنان، مجموعه‌ای از حرکت‌ها یا راهبردها و نتیجه مشخصی برای هر ترکیب از راهبردها می‌باشد. پیروزی در هر بازی تنها تابع یاریِ شانس نیست، بلکه اصول و قوانینِ ویژه خود را دارد و هر بازیکن در طی بازی سعی می‌کند با به کارگیری آن اصول، خود را به بُرد نزدیک کند. رقابت دو کشور برای دست‌یابی به انرژی هسته‌ای، سازوکار حاکم بر روابط بین دو کشور در حل یک مناقشه بین‌المللی، رقابتِ دو شرکت تجاری در بازار، نمونه‌هایی از بازی‌ها هستند (درویش‌زاده، ۱۷:۱۳۹۳).

در همین ارتباط، چهار مفروض اساسی در نظریه بازی‌ها عبارتند از:

۱–دولت‌ها بازیگر اصلی روابط بین‌الملل هستند و در هر منازعه یا همکاری بین‌المللی حداقل دو یا بیشتر بازیگر وجود دارد. آنها به منزله افرادی هستند که تصمیم می‌گیرند و هدفشان این است که بتوانند منفعت حداکثری را نصیب خود کنند و در بازی پیروز شوند. در نظریه بازی‌ها فرض بر آن است که بازی باید استراتژیک باشد، یعنی بازی دارای راهبردهای صرفاً منطقی و بر اساس کنش و واکنش سنجیده باشد. در این راستا بازی‌های تصادفی مانند پرتاب تاس و کشیدن کارت در نظریه بازی‌ها نمی‌گنجند.

۲–دولت‌ها، به عنوان بازیگر یک انتخاب (راهبرد) هوشمندانه از بین پیامدهای مختلف خواهند داشت. به بیان دیگر هر بازیگر می‌تواند پیامدهای خود را از طیف بهترین تا بدترین پیامد تعریف کند. ویژگی عمده تصمیم‌گیری در شرایط بازی این است که هر بازیگر قبل از تصمیم‌گیری باید واکنش و عکس‌العمل دیگران را نسبت به انتخاب و تصمیم خود تجزیه و تحلیل کند؛ آنگاه تصمیمی را اتخاذ کند که برایش بهترین است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

۳-هر دولتی گزینه‌ای برای انتخاب دارد. هر یک از این بازیگران بنا بر استراتژی که انتخاب می‌کنند و استراتژی که طرف مقابلش در مقابل او اتخاذ می‌کند منافع و زیان‌هایی را متحمل می‌شوند. زیان‌ها در واقع یک نمایش کمی از میزان این بهره‌مندی‌هاست. هر چند سودمندی مفهومی انتزاعی است، ولی در نظریه بازی‌ها ناچار باید آنها را کمی کرد. هر کسی ممکن است بازی را به شکل‌های مختلف اولویت‌بندی کند (Poundstone, 1993: 218). در همین رابطه، پرداخت‌ها ممکن است برای بازیکنان مختلف بسته به نظام‌های ارزشی و شرایط آنها در نظام بین‌الملل و همچنین شرایط داخلی آنها معنای مختلفی داشته باشد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸٤: ۷۷۸). در واقع اعداد نسبت داده شده در جدول بازی‌ها، دستاورد مطلق را نشان نمی‌دهند، بلکه بیانگر دستاورد حاصله نسبت به دستاوردهای دیگران هستند که در جدول وجود دارند. مثلاً ممکن است تحریم اقتصادی برای کشور الف و ب با توجه به وضعیت اقتصادی آنها و وابستگی‌شان به بازارهای جهانی و میزان خودکفایی‌شان، آسیب-پذیری و هزینه‌های مختلفی را ایجاد کند.

٤-هر بازیگر می‌تواند اطلاعات کامل یا ناقص از بازی داشته باشد. در برخی از بازی‌ها این امکان وجود دارد که بتوان از نتایج و یا حرکت‌های طرف مقابل آگاهی یافت و در برخی از بازی‌ها این امکان وجود ندارد (Maschler and Gura, 2008:8).

بنابراین می‌توان بیان داشت که در نظریه بازی‌ها هدف هر تصمیم گیرنده در بازی با آگاهی از اثرگذاری تصمیمات دیگر بازیگران بر اهدافش و متقابلاً اثرگذاری تصمیمات او بر دیگر بازیگران، بهینه کردن اهداف شخصی خودش می‌باشد. خروجی پایداری که نظریه بازی‌ها پیش‌بینی می‌کند، لزوما بهینه پرتو نیست و با آگاهی از اینکه خروجی بازی را مجموعه تصمیمات بازیگران شکل خواهد داد، هر بازیگر به دنبال بهینه‌سازی تابع سود خود خواهد بود. در نتیجه نظریه بازی‌ها شبیه‌سازی واقعگرایانه‌تری از رفتار مبتنی بر سود ذی‌نفعان ارائه می‌دهد و این رفتار خودبهینه‌سازی بازیگران و ذی‌نفعان معمولا به رفتار غیرهمکارانه بازیگران منجر می‌گردد، حتی زمانی که رفتار همکارانه برای همه بازیگران سودمند باشد. در مجموع نظریه بازی‌ها می‌تواند برای برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و طراحی بسیار کمک کننده باشد و زاویه دیدی فراهم آورد که در روش‌های سنتی مهندسی سیستم قابل دستیابی نخواهد بود. مزیت نظریه بازی‌ها نسبت به روش‌های بهینه‌سازی و شبیه‌سازی عددی سنتی توانایی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

این نظریه در شبیه‌سازی جنبه‌های مختلف تعارض، ترکیب کردن مشخصه‌های مختلف مسله و پیش‌بینی خروجی‌های ممکن حتی در نبود اطلاعات عددی مربوط به سود می‌باشد(شهریاری و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۹-۱۸ به نقل از کاوه مدنی، ۲۰۱۰).

بطور کلی، همانطوری که اشاره گردید، هدف نهایی نظریه بازی‌ها، یافتن راهبرد یا انتخاب «بهینه» توسط بازیگران در یک محیط رقابتی و تعارض‌آمیز است تا منافع حداکثری تامین گردد. این نظریه در تلاش است تا رفتار ریاضی حاکم بر یک موقعیت استراتژیک (تضاد منافع) را مدل‌سازی کند و همچنین بر یک سیاستگذاری عقلایی متمرکز شده و سعی دارد استراتژی‌هایی را به طرفین پیشنهاد دهد که بیشترین مطلوبیت را برای بازیگران به همراه داشته باشد. با توجه به این مفروضات، می‌توان بیان داشت که بازیگران و کنشگران مهم منطقه خاورمیانه در تلاشند تا بهترین تصمیم را اتخاذه کرده و راهبردی را انتخاب کنند تا در رقابت با دیگران و در شرایط تعارض منافع در محیط آنارشیک منطقه، بیشترین منفعت را تحصیل کنند. بر همین مبنا نیز نخبگان سیاسی قطر، که نقش بزرگی را برای کشور کوچک خود در منطقه تعیین کرده و درصدد بوده‌اند تا به عنوان یک بازیگر تاثیرگذار در معادلات ژئوپلتیک خاورمیانه خود را معرفی کنند، همواره تلاش نموده‌اند تا راهبردی را در منطقه و در قبال قدرت‌های دیگر بویژه ایران و عربستان‌سعودی اتخاذ کنند که بیشترین بهره‌مندی یا به عبارتی منفعت را برای آنها بهمراه داشته باشد. در واقع با توجه به جایگاه ویژه ایران و عربستان سعودی در شکل‌دهی به نظم و معادلات قدرت در منطقه، تصمیم‌گیرندگان عرصه سیاست خارجی قطر سعی نمودند تا بسیار هوشمندانه عمل کرده تا همزمان با کنترل تنش در مناسبات دوجانبه خود با این قدرت‌های منطقه‌ای، نقش آفرینی منطقه‌ای خود را تقویت کنند. به عبارتی، به نظر می‌رسد که بهترین بازی برای قطر بازی چند نفرهٔ با حاصل جمع غیر صفر می‌باشد تا بتواند ضمن حفظ امنیت سرزمینی خود، منافع ملی را نیز تامین نماید.

۴. روابط بین‌الملل به مثابهٔ یک بازی مرکب از تعارض و همکاری

زمانی که دو بازیگر می‌کوشند اهدافی را تامین نمایند که تنها تحقق یکی از آنها امکان پذیر است و در این حالت یکی موفق شده و دیگری شکست می‌خورد این یک « بازی با حاصل جمع صفر» است. اگر رقابت به مصالحهٔ پیچیده‌ای ختم شود که طی آن هیچ یک از طرفین به

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

رضایت کامل دست نیابند، ولی هر دو طرف مایل باشند که به جای تحمل هزینهٔ کشمکشی طولانی میان خود، به چیزی کمتر از هدف اولیهٔ خویش تن در دهند، در این صورت یک «بازی با حاصل جمع غیر صفر» خواهیم داشت. بنابراین با حاصل جمع صفر بودن یا نبودن یک بازی فرعی در سیاست بین‌الملل را باید بر حسب نتایج پرداخت‌های مختلف و بدیلی که بازیکنان در ذهن دارند تعریف کرد (فالتزگراف و دوئرتی،۱۳۷٤: ۷۸۹). بطور کلی تمامی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، که بر مفید بودن نظریه بازی‌ها تاکید دارند، در این موضوع توافق دارند که روابط بین‌الملل را به بهترین نحو می‌توان در قالب یک بازی چند نفرهٔ با حاصل جمع غیرصفر مفهوم‌بندی کرد. یک بازی که در آن امتیازات حاصل شده برای برخی از طرف‌ها لزوماً از کیسهٔ دیگر بازیکنان نمی‌رود.

ویلیام کاپلین به نحو قانع کننده‌ای استدلال می‌کند سیاست بین‌الملل را به بهترین نحو می‌توان در چارچوب نظری بازی‌هایی درک کرد که متضمن ترکیب پیچیده و سیالی از گرایشات به سمت حالت حاصل جمع صفر و حالت حاصل جمع غیر صفرند(Coplin,1971: 507). در همین رابطه، جوزف فرانکل اشاره دارد که به طور مثال روابط فرانسه با آلمان «از یک بازی با حاصل جمع صفر در اوایل دوران پس از جنگ، یعنی در هنگامی که فرانسه می‌خواست و آرزو داشت بتواند آلمان را در داخل جامعه اروپایی زیر دست نگه دارد، به یک بازی با حاصل جمع متغیر تحول یافت که در آن همکاری باعث تغییر سرشت رقابت‌آمیز بازی و افزایش سریع پرداخت‌ها برای هر دو طرف گردید» (Frankel, 1973: 96). جان برتون نیز روشی را برای حل و فصل منازعاتی از نوع منازعهٔ میان یونانی‌ها و ترک‌ها بر سر جزیرهٔ قبرس پیشنهاد کرده بود. در این روش، طرفین وضعیت را به عنوان وضعیتی با حاصل جمع ثابت قلمداد نمی‌کردند که مستلزم مصالحه بر سر «تقسیم کیک» است، بلکه آن را وضعیتی واجد نتایجی بشمار می‌آورند که هر دو طرف می‌توانند از طریق همکاری کارکردی و به وجود آوردن یک کیک بزرگتر منتفع شوند (Burton, 1972: 25). ممکن است در استدلال فوق که توصیه می‌کند یک منازعهٔ سیاسی میان ملی‌گرایی‌های رادیکال، از طریق تبدیل آن به یک فرآیند همکاری اقتصادی متقابلاً سودمند حل شود، نوعی ناسازگاری وجود داشته باشد، ولی واقعیت آنست که این همان چیزی است که در تجدید روابط آلمان و فرانسه صورت گرفت و بسیاری آرزو دارندکه تحقق آن را در روابط میان سایر کشورها نیز شاهد باشند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

گلفن اسنایدر مدل زیر را ترسیم کرده است: روح یا مضمون برجستهٔ بازی «معمای زندانی» برآورده نشدن نیاز متقابل به همکاری است. روح «بازی بزدل» نیز رقابتی است که در آن، هر طرف می‌کوشد تا بر دیگران فائق آید. در هر دو بازی، برداشت یک طرف از نیات طرف دیگر اهمیت قاطع دارد و بازیکنان با این مسئله مواجهند که اعتبار نیات اعلام شدهٔ خویش را اثبات کنند. ولی در معمای زندانی اثبات این اعتبار به معنی ایجاد تدریجی اعتماد است؛ حال آنکه در بازی بزدل اثبات این امر متضمن «ایجاد وحشت» است(Snyder, 1971: 84). با این وجود، بعید است که به کار بستن این دو بازی در مورد روابط بین‌الملل، به نتایج خوش بینانه‌ای بینجامد. آناتول راپوپورت، مدل معمای زندانی را در مورد خلع سلاح بین‌المللی به کار بسته و دریافته است که هر چند در شرایط آرمانی، هر دو طرف احتمالاً مزایای اقتصادی حاصل از خلع سلاح را ترجیح می‌دهند ولی هیچ یک نمی‌توانند از نیات درازمدت طرف دیگر مطمئن باشند و لذا هر دو به تعقیب خط‌مشی محتاطانه‌تر یعنی حفظ توازن پرهزینهٔ تسلیحاتی ادامه می‌دهند. رویارویی‌های جدی میان ابرقدرت های هسته‌ای نظیر بحران موشکی کوبا را اغلب به «بازی بزدل» تشبیه کرده‌اند(Rapoport, 1964: 48-52). در تعریف ساده‌ای از بازی بزدل می‌توان گفت: در این بازی، رقبا در آخرین لحظه تصمیم سخت خود را خواهند گرفت، به طوری که هرکس زودتر از دیگری عمل سخت را انجام دهد، ترسو شناخته می‌شود.

واگنر مدل ساده‌ای از یک نظام بین‌المللی را در شکل یک بازی چند نفرهٔ غیر همیارانه مورد آزمون قرار داده و در خصوص ثبات نظام‌های واجد دو، سه، چهار، و پنج بازیکن عمده به تحقیق پرداخته است: « برای من نه تنها مشخص شد که نظام‌های با حاصل جمع ثابت باثباتند، بلکه همچنین دریافتم که علیرغم درک شهودی بیشتر مردم، تعارض منافع میان دولت‌ها عملاً ثبات‌آفرین است. همچنین دریافتم که ... یک نظام با حاصل جمع متغیر، بیشتر خصوصیات یک نظام با حاصل جمع ثابت را دارد. بنابراین، عدم اطمینان از آینده، به نحوی ظاهراً تناقض آلود از طریق ایجاد تعارض، تشویق کنندهٔ ثبات است. نظام‌هایی که دو تا پنج بازیکن دارند می‌توانند با ثبات باشند ولی علیرغم برخی ادعاهای تایید نشده، احساس معینی وجود دارد که بر اساس آن با ثبات‌ترین نظام، نظامی واجد سه بازیکن است. به علاوه از دو تا پنج بازیکن به ازای هر تعدادی از بازیکنان دست کم یک توزیع قدرت وجود دارد که نه تنها

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

به ثبات نظام بلکه همچنین به صلح منجر می‌شود. برخی از این توزیع‌های صلح آمیز با ثبات تر از دیگرانند ... وجه مشخصهٔ این توزیع‌های با ثبات تر وجود نابرابری میان دولتهاست. وقتی قدرت به یکی از این شیوه‌ها توزیع شده است پس می‌توان گفت که میان توازن قدرت و توزیع برابر قدرت هیچ ارتباطی وجود ندارد» (Wagner, 1986: 575).

ویژگی هرج و مرج گونهٔ نظام بین‌الملل، این نظام را واجد خصیصهٔ اساسی یک بازی چند نفره با حاصل جمع غیرصفر، یعنی فقدان یک مرجع مرکزی که قادر به تعریف اهداف مشترک و تنظیم انتخاب‌های بازیکنان باشد نموده است. شاید صحیح‌تر آن باشد که بگوییم سیاست بین‌الملل معمولاً برای اغلب «بازیکنان» یک بازی با حاصل جمع غیر صفر است. زیرا دولت‌ها معمولاً گرایش به آن دارند که در فرآیندهای تصمیم‌گیری خویش، در محدودهٔ عقلانیت عمل کنند. اما در هر دورانی ممکن است رقبای سیاسی- استراتژیکی وجود داشته باشند که رویارویی با یکدیگر را واجد برخی ویژگی‌های مشابه با خصوصیات مشهود در یک بازی دو نفر با حاصل جمع صفر بدانند. بی شک بخش اعظم کیفیت با حاصل جمع صفر بودن برخی از روابط دو جانبه میان دولت‌ها در قرن حاضر تابع تلقیات ایدئولوژیکی است که با رابطهٔ جدلی میان نظام‌های ارتباطاتی و سیاست توده‌ای در هم آمیخته شده است. اما صرف اظهار این که در روابط بین‌الملل با یک بازی با حاصل جمع غیر صفر سر و کار داریم، کافی نیست. باید ساختار بازی مورد بحث خویش یعنی بازیکنان، قواعد و اهداف بازی، پرداخت‌ها و ارزشی که بازیکنان برای آنها قائلند، کلیت بافت و زمینه‌ای که بازی در بستر آن اجرا می‌شود، کنش و واکنش و استراتژی‌های مختلفی را که تعقیب می‌شوند را به دقت مشخص سازیم.

کنث اوی به بررسی این مسئله پرداخته است که دولت‌ها برای ترویج همکاری در میان خود چه استراتژی‌هایی را می‌توانند اختیار کنند. وی بررسی خویش را با بحث دربارهٔ نحوهٔ تاثیر پرداخت‌ها بر آیندهٔ همکاری آغاز می‌کند. او دریافته است که ساختار پرداخت‌ها در یک دور مشخص از بازی، یعنی مزایای همکاری متقابل در مقایسه با مزایای عدم همکاری متقابل، و مزایای عدم همکاری یک جانبه در مقایسه با مزایای همکاری یک جانبه برای تجزیه و تحلیل همکاری بین‌المللی چه در زمینهٔ اقتصاد و چه در زمینهٔ مسائل امنیتی اهمیت بنیادی دارد. او یادآور می‌شود که«این بازی‌ها دقیقاً بدان خاطر توجه بیش از حد پژوهشگران

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

را به خود جلب نموده‌اند که همکاری امری مطلوب است ولی حصول آن خودکار نیست» (Oye, 1985: 6). «هر جا هماهنگی حاکم است برای تحقق منافع متقابل، همکاری ضرورتی ندارد. جایی که بن بست و بلاتکلیفی وجود دارد... منازعه گریزناپذیر است... وقتی شاهد منازعه هستید، پیش از آنکه از بابت دلیل عدم تحقق منافع متقابل سردرگم شوید مدل بن بست- فقدان منازعه- را به خاطر آورید. هنگامی نیز که شاهد همکاری هستید پیش از سر درگم شدن از بابت اینکه چگونه دولت‌ها توانسته‌اند بر وسوسهٔ نارو زدن به طرف مقابل فائق آیند الگوی هماهنگی را در ذهن خود متصور سازید» (Oye, 1985:7). بنابراین ساختارها یا نحوهٔ توزیع پرداخت‌ها حائز اهمیت بسیار است. اوی با یافته‌های رابرت جرویس دایر بر اینکه می‌توان با تغییر ارادی ساختار پرداخت‌ها از طریق استراتژی‌های یکجانبه، دوجانبه و چند جانبه، احتمال همکاری در درازمدت را افزایش داد موافق است (Jervis, 1978: 30).

علیرغم اهمیت نظریه بازی‌ها، این رهیافت با محدودیت‌هایی نیز مواجه است. به عبارت دیگر، درک «بازی» سیاست بین‌الملل با تمام پیچیدگی‌هایش چه برای ذهن بشر و چه برای بزرگترین ماشین‌های محاسبه‌گر، بی نهایت دشوار و شاید حتی غیر ممکن است. یک بازی سه نفرهٔ خانگی را که در آن تعداد بسیار محدودی از حرکت‌ها و حرکت‌های متقابل مطرح است شاید بتوان به قالب تحلیل ریاضی درآورد. اما رابطهٔ سه جانبهٔ ایالات متحده، اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین نه با این گونه بازی‌های خانگی بلکه با مسئلهٔ «سه جسم» در فیزیک نیوتونی قابل مقایسه است. به عبارتی، این مسئله را نمی‌توان در قالب یک دستور دقیق ریاضی حل کرد(Maillard, 1970: 66). به علاوه تصور رابطهٔ کاملاً سه جانبه‌ای که در آن، کنش و واکنش‌های متقابل این سه قدرت از کنش و واکنش‌های آنها با اروپای غربی، اروپای شرقی، ژاپن، و سایر بازیکنان صحنهٔ جهانی مجزا شده باشد، غیر ممکن است (Brams, 1991: 9). با این وجود، و درعین محدودیت‌های نظریهٔ بازی‌ها، باز هم می-توان آن را ابزار سودمندی برای طرح فرضیه‌هایی دانست که ممکن است موجب روشن‌تر شدن مطالعهٔ گزینه‌های استراتژیکی شوند که پیش‌روی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی قرار دارد.

۵. تحلیل بازی‌های قطر در قبال ایران و عربستان سعودی

این بخش چند هدف را دنبال می‌کند: نخست، بررسی دوگانگی سیاست خارجی قطر در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

قبال ایران و عربستان سعودی؛ دوم، ارزیابی و کمی‌سازی تقابل استراتژی‌ها در منافع سه کشور قطر، ایران و عربستان؛ و سوم تحلیل عایدی‌ها. این روند تحلیلی به ما کمک می‌کند تا با استفاده از نظریه بازی به عنوان چارچوب نظری به خوبی عایدی‌های بازیگر اصلی مورد تحقیق یعنی پادشاهی قطر را در منطقه و در بازی با ایران و عربستان سعودی تحلیل کرده و نتیجه این تقابل را در قالبی کمی ارایه نماییم.

۵-۱. دوگانگی سیاست خارجی قطر در قبال ایران و عربستان سعودی

از منظر «آنت بیگر فاکس» کشورهای کوچک تلاش می‌کنند بین دو قطب قدرت توازن به وجود آورند. اما این موضع‌گیری به عدم توازن موجود میان دو قطب قدرت می‌افزاید(Fox, 1957: 187). تا پیش از تحولات سوریه و ناآرامی‌ها در این کشور در سال ۲۰۱۱، مواضع منطقه‌ای قطر و ایران با یکدیگر بسیار نزدیک بود به طوری که حمایت نسبی قطر از انقلاب در مصر و سرنگونی حکومت حسنی مبارک، حمایت از حزب الله در لبنان و حماس در فلسطین بر نزدیکی میان دوحه و تهران افزوده بود. اما تحولات سوریه باعث شد تا این کشور به تصور سقوط حکومت سوریه به عربستان و ترکیه متمایل شود و مانند ترکیه از ایران فاصله بگیرد تا در صورت کنار رفتن دولت دمشق بتواند سهمی در آینده سوریه داشته باشد(Fulton & Wellman, 2011). در همین رابطه، ایجاد این تعادل در سیاست خارجی قطر به خصوص در زمینه نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران، همواره یکی از دلایل ایجاد تنش در روابط عربستان و قطر بوده است.

با شروع انقلاب های عربی تنش بین قطر و عربستان سعودی وارد مرحله جدیدی شد. در حالی که قطر خود را طرفدار این انقلاب‌ها نشان می‌داد، عربستان به طور گسترده به عنوان نیرویی ضد انقلابی شناخته می-شد)ابوالفتحی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۰٤). همچنین، علی‌رغم اینکه سیاست قطر در بحران سوریه با عربستان سعودی همسو شد، اما دوحه در حمایت از گروه‌های داخلی در سوریه با ریاض دچار اختلاف جدی شد؛ که واکنش شدید رهبران سعودی را در پی داشت. از مهم‌ترین موضوعاتی که بستر نارضایتی ریاض را نسبت به قطر فراهم کرده بود مسئله عدم رعایت اصول موافقت‌نامه نوامبر ۲۰۱۳ بود که در آن تاکید شده بود قطر باید به طور جدی جلوی تحرکات، به زعم آنها جاسوسی ایران را سد کند. این

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

در حالی است که سعودی‌ها مدعی‌اند قطر این حرکات را در قلمرو کشورهای عضو شورا تسهیل کرده است. تلاش‌های بعدی دوحه برای توسعه روابط با ایران بود که خشم حاکمان سعودی را دوچندان کرد. در همین رابطه اعلام آمادگی شیخ تمیم امیر جدید قطر در ۲۵ فروردین ماه ۱۳۹۳ برای بازدید از ایران و تقویت مناسبات و همکاری‌ها بین تهران و دوحه، بر دامنه خصومت بین دوحه و ریاض افزود. این موضوع در حالی بود که قطر همچنین تلاش نمود به لحاظ سیاسی و اقتصادی به عمان نزدیک‌تر شود؛ کشوری که روابط بسیار دوستانه ای با ایران دارد(Saab, 2014). در واقع نزدیکی این سه کشور می‌توانست کفه ترازو را به نفع تهران تغییر داده و موقعیت ریاض را در منطقه تضعیف کند. همچنین، طی سالیان گذشته دولت قطر تلاش کرده از رسانه‌های خود نیز جهت کنترل نفوذ عربستان در منطقه استفاده نماید، تا بدین طریق با زیاده خواهی‌های آن کشور مقابله کند(اختیاری امیری، ۱۳:۱۳۹۳). با این حال، در سال ۲۰۱۶، پس از حمله به سفارت عربستان در ایران و اقدام قطر در فراخواندن سفیر خود از تهران، روابط این کشور با ایران رو به تیرگی نهاد. اما پس از آن که عربستان سعودی بهمراه برخی از کشورهای عربی، به دلیل آن چه که آنها تامین مالی و حمایت قطر از تروریسم و گروه‌های اسلامگرا مانند اخوان‌المسلمین بر می–شمردند، روابطشان را با این کشور قطع کردند، دوحه بلافاصله سیاست‌های خود را نسبت به جمهوری اسلامی ایران تغییر داد(Rafizadeh, 2017:1) و تنها اندکی پس از ایجاد بحران در روابط این کشور با عربستان و چند کشور دیگر در سال ۲۰۱۷، روابط کنسولی خود با تهران را از سر گرفت. این که کشورهای محاصره کننده قطر در فهرست اولیه خواسته‌های سیزده‌گانه خود برای عادی‌سازی روابط با قطر، خواستار قطع تمام روابط با تهران بودند، خود نشان از حساسیت این کشورها بر روابط قطر با جمهوری اسلامی ایران است (Kerr & Al Omran, 2017) که البته با عدم پذیرش دوحه، این خواسته‌ها به بن بست رسید.

از سیاست‌های متناقض قطر می‌توان به این موضوع نیز اشاره کرد که این کشور بهمراه سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس برای مشروعیت بخشیدن به خریدهای تسلیحاتی و نظامی خود مدام به پدیده ایران‌هراسی و تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم آن می‌پرداخت. این امر نه تنها در راستای خواست عربستان بوده، بلکه تامین کننده منافع آمریکا و اسرائیل نیز بوده است. هم آمریکا و هم اسرائیل در تلاش‌اند تا نظام حکومتی ایران را به عنوان خطر افراط‌گرایی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

بنیادگرایانه جایگزین تهدید اسرائیل علیه رژیم‌های منطقه معرفی کنند(سیف‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۰). همچنین قطر با اتکا به توان رسانه‌ای خود، با هدف همسویی با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و همکاری مثبت با کشور عربستان، به پدیده ایران هراسی دامن زده تا بدین ترتیب زمینه انزوای ایران در منطقه فراهم شود. این موضوع مانعی در مسیر گسترش دامنهٔ نفوذ سیاسی ایران و گشایش هر چه بیشتر مرزهای ژئوپلیتیکی آن تلقی می‌گردید. همچنین، رقابت‌های تسلیحاتی و تبدیل نمودن منطقه به انباری از تسلیحات نظامی، برای امنیت ملی ایران چالش و آسیبی قابل ملاحظه محسوب می‌گشت(صادقی،۱۳۹۵: ۱۲۸).

اما از سوی دیگر، قطر در سال‌های اخیر کوشیده است از وابستگی شدید خود به عربستان سعودی بکاهد. از دیدگاه قطر، عربستان سعودی و ایران دو قدرت بزرگ منطقه هستند و این کشور ضمن تمایل به حفظ رابطه با هر دو کشور، از به هم خوردن موازنه قوا میان آنها به شدت نگران است. به همین جهت قطر سعی کرده تا در سیاست خارجی خود در رابطه با ایران و عربستان سعودی توازن را رعایت کند. علی رغم عضویت قطر در شورای همکاری خلیج فارس، جناح بندی‌ها و موضع‌گیری‌های داخلی شورا نشان می‌دهد که قطر در پاره‌ای موارد، از جمله در مورد روابط با ایران، از عربستان دور شده است(کتاب سبز قطر،۱۳۹۰:٤٦). در مورد تحولات یمن و بحرین هم، قطر به رغم همراهی با طرح‌ها و ابتکارات شورای همکاری خلیج فارس، همزمان نقشی متفاوت برای خود تعریف کرده و در تلاش بوده است تا از چارچوب سیاست‌های تحمیلی عربستان بر شورا خارج شود (Hvidt, 2014:27). در بحران بحرین، قطر در قالب رویکردهای شورای همکاری مبتنی بر حمایت از خاندان آل‌–خلیفه به پیش رفت، با این حال از اعزام نیروهای نظامی به داخل خاک بحرین، برخلاف عربستان و امارات، خودداری کرد. به عبارتی، دوحه بر خلاف رویکرد کاملاً یک جانبه و مداخله نظامی سعودی‌ها در بحرین، رهیافت ملایم‌تری را اتخاذ کرد (اسدی،۱۳۹۰: ۱۱۷).

قطع روابط دیپلماتیک عربستان و چند کشور دیگر عربی با قطر در سال ۲۰۱۷ به بهانه حمایت دوحه از تروریسم، مناسبات دو کشور را بشدت تحت تاثیر قرار داد. این بحران که معروف به «بحران خلیج فارس» است، سبب شد تا قطر سیاست‌های جدیدی را اتخاذ کند که نه تنها در راستای تمایلات عربستان نبود، بلکه در تضاد با آن قرار داشت. بطور مثال، قطر سعی کرد تا روابط خود را با کشورهای همسایه از جمله عراق که از شرکای مهم ایران

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

در منطقه محسوب می‌شود، توسعه دهد. در همین رابطه، قطر ضمن بازگشایی سفارت خود درعراق، به حمایت مالی از گروه‌های شیعه پرداخت. همچنین قطر با کمک ایران و گروه‌های شیعی تحت حمایت آن کشور توانست تعدادی از اعضای خانواده سلطنتی را که توسط گروه‌های تروریستی در عراق به گروگان گرفته شده بودند با پرداخت پول نجات دهد (Solomon,2017). با وجود اینکه از شروط سیزده‌گانه عربستان جهت رفع محاصره قطر، قطع روابط دوحه با تهران بود این درخواست مورد پذیرش قرار نگرفت. در عوض به دلیل نیازهای قطر به کالا و خدمات، روابط تهران- دوحه توسعه یافت. حتی خروج قطر از اوپک در ژانویه ۲۰۱۹، سازمانی که عربستان نقش اصلی را در آن ایفاء می‌کند، حاکی از عدم تسلیم قطر در برابر شروط عربستان می‌باشد (Sahika Kucukasci, 20 May 2019). سپس عدم حضور «شیخ تمیم بن‌حمد آل‌ثانی» امیر قطر در اجلاس سالیانه شورای همکاری خلیج فارس در ریاض، ثابت کرد که نخبگان سیاسی قطر در تصمیمات خود بسیار مصمم هستند.

در رابطه با قتل «جمال خاشخچی» روزنامه‌نگار منتقد عربستان در سال ۲۰۱۸ نیز قطر مواضع صریحی در محکومیت این قتل اعلام داشت. در این رابطه «محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی» وزیر خارجه قطر قتل قاشخچی را «عملی وحشیانه» خواند و تصریح کرد: هرکسی و در هر مقامی این جرم را علیه انسانی بی‌گناه مرتکب شود باید بازخواست گردد. وی، علی رغم تاکید قطر بر لزوم وحدت و انسجام کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، در رابطه با محاصره کشورش توسط برخی کشورها به رهبری عربستان بیان داشت که شورای همکاری خلیج فارس کارکرد خود را از دست داده است. اکنون ما امنیت مشترک نداریم و از یک کشور عضو شورای همکاری(عربستان) در هراس هستیم (تابناک، ۱۰ آذر ۱۳۹۷). این اظهارات خود حاکی از شکنندگی ائتلاف امنیتی شورای همکاری خلیج فارس است که با هدف مقابله با تهدیدات ایران تشکیل شده بود.

علی‌رغم رویکرد غیرهمسوی قطر با عربستان، در طول سال‌های گذشته این کشور سیاست‌هایی را اتخاذ نموده است که در تعارض با منافع ایران قرار داشته است. در همین رابطه می‌توان به اقدامات قطر در جهت توسعه روابط با اسرائیل اشاره نمود که در تضاد جدی با سیاست‌های ایران قرار دارد. با وجود اینکه دوحه تلاش کرده است تا روابط خود را با حماس حفظ کند و بر«راه‌حل‌های سیاسی مورد قبول فلسطینیان» تاکید دارد، گسترش

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

مناسبات با اسرائیل را نیز در دستورکار قرار داده است؛ هرچند که قطر از طرح «معامله قرن» مطرح شده از سوی دولت ترامپ جهت ایجاد صلح بین فلسطینی‌ها و اسرائیل حمایت بعمل نیاورده است؛ که این موضوع در راستای سیاست‌های منطقه‌ای ایران می‌باشد.

اقدامات قطر در رابطه با توسعه همکاری‌های نظامی با دولت‌های قدرتمند خارجی نظیر آمریکا و انگلستان از دیگر سیاست‌های متناقض این کشور محسوب می‌گردد. در همین رابطه، «خالد بن محمد العطیه» وزیر دفاع قطر و «استفان هیلر»، رئیس مرکزی نیروی هوایی انگلیس، طی دیداری در دوحه در سال ۲۰۱۸ بر تقویت همکاری نظامی دو کشور تاکید کردند(خبرگزاری تی‌آرتی، ۲۰۱۸/۱۱/۵). همچنین، قطر در آگوست سال ۲۰۱۸ اعلام کرد: ۱٫۸ میلیارد دلار برای گسترش بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در خاورمیانه سرمایه‌گذاری می‌کند (اسپوتینک، ۲۰۱۸/۷/۲٤). با تشدید تنش‌ها بین ایران و آمریکا در طول ماه‌های اخیر نیز، شاهد ورود تجهیزات نظامی پیشرفته آمریکا نظیر بمب‌افکن‌های استراتژیک بی۵۲ و جنگنده‌های اف ۲۲ به خاک قطر بوده‌ایم. علاوه بر این، در سفر امیر قطر به آمریکا در می ۲۰۱۹، دو طرف چندین توافقنامه برای تقویت شراکت استراتژیک از جمله در زمینه دفاعی و حمل‌ونقل هوایی امضا کردند(خبرگزاری ایرنا، ۱۸/٤/ ۱۳۹۸). دستورکار نظامی و دفاعی قطر و همکاری این کشور با قدرت‌های بزرگ بویژه آمریکا در حالی انجام می‌پذیرد که ایران بشدت مخالف حضور نیروهای نظامی بیگانه در منطقه خلیج فارس است و آن را تهدید جدی علیه امنیت ملی خود قلمداد می‌کند. ایران معتقد است که امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه از طریق ترتیبات امنیت دسته جمعی تامین گردد. بطور کلی، سیاست‌های دوگانه قطر در قبال ایران و عربستان مبین این واقعیت است که این کشور رهیافت‌های مستقلی را در عرصه خارجی پیگیری می‌کند. آن چه که قطر به دنبال آن است، مطرح شدن به عنوان یک بازیگر مهم و با نفوذ در جهت افزایش امنیت خود در منطقه است؛ که این امر به نوبه خود نقطه اصلی تقابل این کشور با کنشگران اصلی منطقه، بویژه با عربستان سعودی، به عنوان قدرت سنتی جهان عرب، می‌باشد.

۵-۲. کمی سازی و ارزیابی تقابل استراتژی‌ها در منافع سه کشور قطر، ایران و عربستان

هدف این بخش آن است تا با استفاده از نظریه بازی‌ها به عنوان چارچوب نظری،

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

عایدی‌های بازیگر اصلی مورد تحقیق یعنی پادشاهی قطر را در منطقه و در بازی با ایران و عربستان سعودی تحلیل نموده و نتیجه این تقابل را در قالبی کمی ارایه دهد. اما پیش از تحلیل نهایی باید استراتژی‌های آنها را کمی‌سازی کرد تا موضوع پژوهش بدرستی تبیین گردد. در همین رابطه، استراتژی‌های قطر، عربستان و ایران بصورت زیر قابل شناسایی است:

الف) استراتژی های قطر: Qi ها

ب) استراتژی های عربستان سعودی : Si ها

ج) استراتژی های ایران: Ii ها

با توجه به این که هریک از این Qi ها، Si ها و Ii ها، خود ترکیبی از چندین زیر تصمیم هستند، فقط یکی از آنها انتخاب می‌شود.

تمامی استراتژی‌های سه تایی به صورت (Qi , Ii , Si)، در قالب پروفایل استراتژی را که سه مولفه آن با هم سازگارند، استخراج کرده، عایدی هر یک از سه کشور، به ازای هر یک از این سه تایی‌ها را محاسبه می‌کنیم. توجه داشته باشیم که تفاوت استراتژی با پروفایل استراتژی این است که پروفایل استراتژی مجموعه‌ای از چند استراتژی اتخاذ شده در یک محیط بازی به صورت همزمان است. مفهوم تعادل نش برای تجزیه و تحلیل نتایج اثر متقابل استراتژیک چندین تصمیم‌گیرنده استفاده شده است. به عبارت دیگر، این راهی برای پیش‌بینی اینکه اگر چند نفر یا چندین تصمیم‌ساز که در تصمیم‌گیری‌های هم‌زمان هستند و اگر پیامدهای آن وابسته به تصمیم‌های دیگران است چه نتایجی را خواهد داشت. نگرش ساده و ایده اساسی «جان نش» این است که اگر ما تصمیم‌های تصمیم‌گیرندگان مختلف را به صورت جداگانه تحلیل کنیم در نتیجه نمی‌توانیم نتیجه انتخاب‌های آنان را پیش‌بینی کنیم. در عوض، ما باید بپرسیم آنچه که هر کدام از بازیکنان انجام می‌دهد، با در نظر گرفتن تصمیم‌گیری‌های دیگران است. در یک پروفایل استراتژی، یک بازیگر استراتژی‌ای را اتخاذ نمی‌کند که منتظر نتیجه آن بماند، بلکه تمامی بازیگران به طور همزمان اقدام به انتخاب استراتژی می‌کنند. پس از محاسبه تمامی این پروفایل‌ها، محتمل‌ترین پروفایل استراتژی‌های ممکن را انتخاب کرده و در گام نهایی با استفاده از محاسبات ریاضی، «تعادل نش»، یعنی مجموعه‌ای از استراتژی‌ها، در صورتی که هیچ بازیکنی توسط راهبرد یک جانبه در حال تغییر خود، نتواند استراتژی‌ای بهتر از آن اتخاذ نماید، محاسبه می‌شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

استراتژی‌های قطر (Qi):

q1) تمایل جزیی به سمت ایران و فاصله جزیی از عربستان سعودی با استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای؛

q2) تمایل جزیی به سمت عربستان سعودی و فاصله جزیی از ایران با استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای؛

q3) دوستی کامل با ایران و فاصله کامل از عربستان سعودی با استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای؛

q4) دوستی کامل با عربستان سعودی و فاصله کامل از ایران با استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای؛

q5) فاصله کامل از عربستان سعودی و فاصله کامل از ایران با استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای.

استراتژی‌های عربستان سعودی (Si)

s1) تمایل جزیی به سمت قطر و فاصله جزیی از ایران با استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و رسانه ای؛

s2) تمایل جزیی به سمت ایران و فاصله جزیی از قطر با استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و رسانه ای؛

s3) دوستی کامل با قطر و فاصله کامل از ایران با استفاده از ابزارهای سیاسی و اقتصادی و رسانه ای؛

s4) دوستی کامل با ایران و فاصله کامل از قطر با استفاده از ابزارهای سیاسی و اقتصادی و رسانه ای؛

s5) فاصله کامل از قطر و ایران.

استراتژی‌های ایران (Ii):

i1) تمایل جزیی به سمت قطر و فاصله جزیی از عربستان سعودی با استفاده از ابزارهای سیاسی و اقتصادی؛

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

i2) تمایل جزیی به سمت عربیتان سعودی و فاصله جزیی از قطر با استفاده از ابزارهای سیاسی و اقتصادی؛

i3) دوستی کامل با قطر و فاصله کامل از عربستان سعودی با استفاده از ابزارهای سیاسی و اقتصادی؛

i4) دوستی کامل با عربستان سعودی و فاصله کامل از با قطر با استفاده از ابزارهای سیاسی و اقتصادی؛

i5) فاصله کامل از قطر و عربستان سعودی.

با توجه به استراتژی‌های فوق الذکر، محاسبه عایدی‌های قطر، ایران و عربستان سعودی در کلیه استراتژی‌های ممکن در جدول زیر نشان داده شده است:

استراتژی‌های ممکن	عایدی‌های قطر	عایدی‌های ایران	عایدی‌های عربستان
U1 (q1 , i1 , s1)	q1= 4	i1= 3	s1=2
U2 (q1 , i1 , s2)	q2= 3	i2= 4	s2= 3
U3 (q1 , i1 , s3)	q3= 4	i3= 3	s3=2
U4 (q1 , i1 , s4)	q4= 2	i4= 5	s4=2
U5 (q1 , i1 , s5)	q5= 2	i5= 3	s5=1
U6 (q1 , i2 , s1)	q6= 3	i6= 2	s6=3
U7 (q1 , i2 , s2)	q7= 2	i7= 3	s7= 3
U8 (q1 , i2 , s3)	q8= 3	i8= 3	s8=2
U9 (q1 , i2 , s4)	q9= 1	i9= 5	s9=2
U10 (q1 , i2 , s5)	q10=1	i10= 4	s10=0
U11 (q1 , i3 ,s1)	q11=4	i11= 3	s11= 3
U12 (q1 , i3 , s2)	q12=3	i12= 4	s12=2
U13 (q1 , i3 , s3)	q13=5	i13= 2	s13=3
U14 (q1 , i3 , s4)	q14=3	i14= 4	s14= 3
U15 (q1 , i3 , s5)	q15=2	i15= 3	s15=0
U16 (q1 , i4 , s1)	q16=2	i16=3	s16=3
U17 (q1 , i4 , s2)	q17=1	i17= 3	s17=4
U18 (q1 , i4 , s3)	q18=3	i18=1	s18=4
U19 (q1 , i4 , s4)	q19=1	i19= 4	s19=4
U20 (q1 , i4 , s5)	q20=0	i20=1	s20=0
U21 (q1 , i5 , s1)	q21=3	i21=1	s21=3
U22 (q1 , i5 , s2)	q22= 1	i22=1	s22=2
U23 (q1 , i5 , s3)	q23=3	i23=1	s23=3
U24 (q1 , i5 , s4)	q24=1	i24= 2	s24=2
U25 (q1 , i5 , s5)	q25= 1	i25= 0	s25=0
U26 (q2 , i1 , s1)	q26=4	i26=2	s26=3

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

U27 (q2 , i1 , s2)	q27= 3	i27=3	s27=2
U28 (q2 , i1 , s3)	q28=4	i28= 1	s28=3
U29 (q2 , i1 , s4)	q29= 2	i29=4	s29=4
U30 (q2 , i1 , s5)	q30= 2	i30= 2	s30=1
U31 (q2 , i2 , s1)	q31= 3	i31= 2	s31=3
U32 (q2 , i2 , s2)	q32=2	i32=3	s32=2
U33 (q2 , i2 , s3)	q33=3	i33=1	s33=3
U34 (q2 , i2 , s4)	q34=1	i34=4	s34=2
U35 (q2 , i2 , s5)	q35=1	i35= 2	s35=1
U36 (q2 , i3 , s1)	q36=4	i36=1	s36=1
U37 (q2 , i3 , s2)	q37=3	i37=1	s37=3
U38 (q2 , i3 , s4)	q38=5	i38=4	s38=2
U39 (q2 , i3 , s4)	q39=2	i39= 4	s39=2
U40 (q2 , i3 , s5)	q40= 2	i40=2	s40=1
U41 (q2 , i4 , s1)	q41=2	i41=2	s41=3
U42 (q2 , i4 , s2)	q42=1	i42= 2	s42=2
U43 (q2 , i4 , s3)	q43=3	i43= 1	s43=3
U44 (q2 , i4 , s4)	q44=1	i44=4	s44=4
U45 (q2 , i4 , s5)	q45= 0	i45= 2	s45=1
U46 (q2 , i5 , s1)	q46=3	i46= 0	s46=2
U47 (q2 , i5 , s2)	q47=1	i47=1	s47=2
U48 (q2 , i5 , s3)	q48=3	i48=0	s48=3
U49 (q2 , i5 , s4)	q49=1	i49=2	s49=1
U50 (q2 , i5 , s5)	q50= 0	i50= 1	s50=1
U51 (q3 , i1 , s1)	q51=3	i51=2	s51=2
U52 (q3 , i1 , s2)	q52=2	i52=3	s52=2
U53 (q3 , i1 , s3)	q53=3	i53= 2	s53=3
U54 (q3 , i1 , s4)	q54=2	i54= 5	s54=1
U55 (q3 , i1 , s5)	q55= 1	i55= 3	s55=1
U56 (q3 , i2 , s1)	q56=2	i56=3	s56=2
U57 (q3 , i2 , s2)	q57=3	i57=4	s57=4
U58 (q3 , i2 , s3)	q58=3	i58=2	s58=1
U59 (q3 , i2 , s4)	q59=1	i59=5	s59=2
U60 (q3 , i2 , s5)	q60= 1	i60=2	s60=1
U61 (q3 , i3 , s1)	q61=4	i61=2	s61=1
U62 (q3 , i3 , s2)	q62=3	i62= 4	s62=1
U63 (q3 , i3 , s3)	q63=5	i63=2	s63=2
U64 (q3 , i3 , s4)	q64=3	i64=5	s64=2
U65 (q3 , i3 , s5)	q65=2	i65=3	s65=0
U66 (q3 , i4 , s1)	q66=2	i66=2	s66=1
U67 (q3 , i4 , s2)	q67=1	i67=3	s67=2
U68 (q3 , i4 , s3)	q68=3	i68= 2	s68=3

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

U69 (q3 , i4 , s4)	q69=0	i69= 3	s69=3
U70 (q3 , i4 , s5)	q70=1	i70=2	s70=4
U71 (q3 , i5 , s1)	q71=2	i71=2	s71=2
U72 (q3 , i5 , s2)	q72=1	i72=2	s72=1
U73 (q3 , i5 , s3)	q73=3	i73=1	s73=2
U74 (q3 , i5 , s4)	q74=1	i74=3	s74=0
U75 (q3 , i5 , s5)	q75=0	i75=2	s75=0
U76(q4 , i1 , s1)	q76=3	i76= 1	s76=3
U77 (q4 , i1 , s2)	q77=2	i77=3	s77=3
U78 (q4 , i1 , s3)	q78= 3	i78=1	s78=3
U79 (q4 , i1 , s4)	q79= 2	i79= 3	s79=2
U80 (q4 , i1 , s5)	q80= 1	i80= 1	s80=3
U81 (q4 , i2 , s1)	q81= 2	i81= 1	s81=2
U82 (q4 , i2 , s2)	q82=3	i82=1	s82=3
U83 (q4 , i2 , s3)	q83=3	i83= 2	s83=3
U84 (q4 , i2 , s4)	q84= 1	i84=3	s84=2
U85 (q4 , i2 , s5)	q85=1	i85=1	s85=3
U86 (q4 , i3 , s1)	q86= 4	i86=1	s86=3
U87 (q4 , i3 , s2)	q87=3	i87= 1	s87=2
U88 (q4 , i3 , s3)	q88=5	i88=0	s88=3
U89 (q4 , i3 , s4)	q89=2	i89=2	s89=3
U90 (q4 , i3 , s5)	q90=2	i90=1	s90=1
U91 (q4 , i4 , s1)	q91=2	i91=1	s91=2
U92 (q4 , i4 , s2)	q92=1	i92=0	s92=5
U93 (q4 , i4 , s3)	q93= 2	i93= 1	s93=5
U94 (q4 , i4 , s4)	q94= 0	i94=3	s94=4
U95 (q4 , i4 , s5)	q95=0	i95=0	s95=1
U96 (q4 , i5 , s1)	q96=2	i96=1	s96=3
U97 (q4 , i5 , s2)	q97=1	i97=1	s97=2
U98 (q4 , i5 , s3)	q98= 3	i98= 1	s98=2
U99 (q4 , i5 , s4)	q99= 0	i99=3	s99=2
U100 (q4 , i5 , s5)	q100=1	i100=0	s100=3
U101 (q5 , i1 , s1)	q101=3	i101= 1	s101=1
U102 (q5 , i1 , s2)	q102=2	i102=1	s102=1
U103 (q5 , i1 , s3)	q103= 3	i103= 1	s103=1
U104 (q5 , i1 , s4)	q104= 2	i104= 3	s104=1
U105 (q5 , i1 , s5)	q105=1	i105=0	s105=1
U106 (q5 , i2 , s1)	q106=2	i106=1	s106=1
U107 (q5 , i2 , s2)	q107= 1	i107=3	s107=3
U108 (q5 , i2 , s3)	q108=2	i108=1	s108=1
U109 (q5 , i2 , s4)	q109= 1	i109=4	s109=3
U110 (q5 , i2 , s5)	q110= 2	i110=1	s110=2

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

U111 (q5 , i3 , s1)	q111=3	i111=0	s111=1
U112 (q5 , i3 , s2)	q112= 2	i112= 2	s112=1
U113 (q5 , i3 , s3)	q113=5	i113=0	s113=0
U114 (q5 , i3 , s4)	q114= 2	i114= 3	s114=0
U115 (q5 , i3 , s5)	q115= 2	i115= 0	s115=1
U116 (q5 , i4 , s1)	q116=2	i116=1	s116=3
U117 (q5 , i4 , s2)	q117=1	i117= 2	s117=3
U118 (q5 , i4 , s3)	q118=1	i118= 0	s118=3
U119 (q5 , i4 , s4)	q119=1	i119= 4	s119=4
U120 (q5 , i4 , s5)	q120=1	i120= 0	s120=1
U121 (q5 , i5 , s1)	q121=2	i121=1	s121=1
U122 (q5 , i5 , s2)	q122=1	i122=2	s122=0
U123 (q5 , i5 , s3)	q123=3	i123=0	s123=1
U124 (q5 , i5 , s4)	q124=1	i124=4	s124=0
U125 (q5 , i5 , s5)	q125=0	i125=0	s125=0

پس از محاسبه تمامی ۱۲۵ پروفایل استراتژی ممکن، همراه با محاسبه جداگانه عایدی‌های هر یک از طرفین درگیر در بازی، شامل ایران، قطر و عربستان سعودی، در مجموع ۳۷۵ عایدی ممکن تعیین گردیده است. اما نکته‌ای که بسیار اهمیت دارد این است که در محیط این بازی، اتخاذ چه استراتژی‌هایی توسط بازیگران، محتمل‌تر به نظر می‌رسند. به عنوان مثال در محیط تنش‌آلود فعلی خلیج فارس، وقوع پروفایل استراتژی U114 بسیار بعید به نظر می‌رسد؛ چرا که اساسا دوستی و نزدیکی زیاد دو رقیب منطقه‌ای یعنی ایران و عربستان سعودی، با توجه به منازعات تاریخی، قومیتی، مذهبی و سیاسی بسیار بعید است. از آن گذشته دور شدن کامل قطر به عنوان یک کشور کوچک خلیج فارس، از ایران و عربستان، همسایه‌های قدرتمند خود نیز محتمل نیست. بنابراین، در این گام از تحلیل ما تلاش خواهیم کرد که استراتژی‌هایی که اتخاذ آنها توسط بازیگران محیط بازی محتمل‌تر است را انتخاب کنیم. (قطعا پرداختن به دلایل رد تک به تک این استراتژی‌ها با توجه به حجم بالای آن ها از حوصله این پژوهش خارج خواهد بود.)

U5 (q1 , i1 , s5)	q5= 2	i5= 3	s5=1
U31 (q2 , i2 , s1)	q31= 3	i31= 2	s31=3
U65 (q3 , i3 , s5)	q65=2	i65= 3	s65=0
U83 (q4 , i2 , s3)	q83=3	i83= 2	s83=3
U119 (q5 , i4 , s4)	q119=1	i119=4	s119=4
U98 (q4 , i5 , s3)	q98= 3	i98= 1	s98=2
U7 (q1 , i2 , s2)	q7= 2	i7= 3	s7= 3

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

۵-۳. یافته‌ها

با حذف پروفایل استراتژی‌های غیرمحتمل، هفت پروفایل استراتژی U5, U31, U65, U83, U119, U98 , U7 که بیشترین احتمال اتخاذ توسط بازیگران محیطی دارند را انتخاب می‌کنیم. برای محاسبه تعادل نش روش‌های زیادی وجود دارد که بسیاری از آن ها از مدل‌های پیچیده ماتریسی که برای حل آنها از نرم‌افزارهای محاسباتی استفاده می-شود، تبعیت می‌کنند. اما در این مقاله با توجه به نوع پروفایل استراتژی‌ها در قالب مجموعه‌های سه تایی، از روشی ساده استفاده می‌شود. بر این اساس و با فرض این که بالاترین عایدی ممکن می‌تواند تعادلی با (۵،۵،۵) و رضایت‌مندی عمومی ۱۵ باشد، بنابراین تعادلی که رضایتمندی عمومی بازیگران در آن بیشتر است (مجموع آنها بیش از ۸ است) را انتخاب می‌کنیم. باید توجه داشت که هرچه عایدی‌های طرفین بازی بالاتر باشد، به این معناست که رضایتمندی بیشتری از محیط جاری بازی دارند، و تلاش کمتری برای تغییر استراتژی انجام می‌دهند و به تعادل نش بازی نزدیک‌تر خواهد بود. بر این اساس تعادل با پروفایل استراتژی (q3 ,i2 , s2) و عایدی‌های (۳،٤،٤) تعادل نش بازی می‌باشد؛ یعنی در حالتی که ایران و عربستان به طور جزئی به یکدیگر نزدیک شوند و قطر به طور جزئی به عربستان نزدیک شود تعادلی در بازی برقرار شده که طرفین بازی از برقراری آن راضی هستند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس تعادل نش محاسبه شده، قطر به عنوان بازیگر نوظهور منطقه‌ای و کوچکتر نسبت به ایران و عربستان سعودی، باید علاوه بر حفظ روابط خود با ایران، که طی دوران پس از تحریم‌های عربی اعمال شده به این کشور، توسعه یافته است، به عربستان‌سعودی نیز نزدیک شود. عربستان به عنوان تنها کشوری که با قطر مرزهای زمینی دارد، حفظ سطح قابل قبولی از روابط را با این کشور، برای دوحه اجتناب‌ناپذیر کرده است. علاوه بر این، شرایط فعلی منطقه حاکی از آن است که عربستان سعودی از نفوذ قابل توجهی در شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب برخوردار است؛ همان‌گونه که تحریم ۲۰۱۷ قطر نشان داد، کشورهای زیادی از عربستان تبعیت و پیروی می‌کنند. البته با گذشت بیش از یک سال از اعمال تحریم‌های عربی علیه قطر، این کشور توانسته با بهبود روابط خود با ترکیه و ایران، تا حدودی آثار سو این تحریم‌ها را مدیریت کند. از طرف دیگر، جدایی قطر از جهان عرب، به عنوان نقطه ضعف بزرگی برای عربستان سعودی محسوب می‌گردد. واقعیت آن است که از زمان ایجاد شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱، هیچگاه چنین بحران دیپلماتیکی در این شورا رخ نداده بود که یک عضو توسط سایر اعضاء طرد شود. این موضوع در حالی است که در چند سال گذشته با جدی‌تر شدن بحث ایجاد ناتوی عربی، اهمیت حفظ اتحاد در شورای همکاری خلیج فارس بیش از پیش اهمیت یافته بود. نزدیکی و توسعه مناسبات قطر با ایران به هیچ وجه مطلوب عربستان نمی‌باشد؛ بنابراین نزدیکی قطر به عربستان می‌تواند با استقبال این کشور مواجه شود. این نزدیکی جزیی از سوی دوحه می‌تواند از طریق شیوه‌هایی نظیر کاستن از تبلیغات گسترده رسانه‌ای علیه عربستان، که به خصوص پس از محاصره اقتصادی این کشور و یا قتل قاشخچی، روزنامه نگار سعودی، شدت زیادی یافته بود، انجام پذیرد. همچنین قطر می‌تواند با برخی اقدامات مانند کاهش تجارت خود با ایران و ترکیه و یا آغاز مجدد مذاکرات برای پایان دادن به تنش‌ها اقدام به جلب رضایت عربستان نماید. از سوی عربستان نیز، در گام اول، بازگشایی مسیر حج برای شهروندان قطری یا تعلیق طرح پرهزینه حفر کانال در مرز دو کشور، می‌تواند اقدام متقابل اعتمادساز باشد.

در مورد استراتژی ایده‌آل قطر در قبال ایران هم می‌توان از تعادل نش محاسبه شده این گونه استنباط کرد که در حال حاضر بهترین انتخاب سیاست خارجی قطر در قبال ایران، ایجاد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

فاصله با این کشور است. پس از اعمال تحریم‌ها، قطر روابط گسترده‌ای را با ایران به عنوان تنها همسایه‌ای که این کشور را محاصره نکرد، آغاز نمود و با توجه به تیرگی روابط ایران و عربستان سعودی و اشتیاق تهران به گسترش روابط با دوحه، این امر با سرعت زیادی انجام پذیرفت. قطر می‌تواند با کاهش سطح مناسبات تجاری و سیاسی خود با ایران به این سمت گام بردارد. تن دادن به خواست دول تحریم کننده قطر در خصوص قطع کامل روابط با ایران به هیچ وجه به نفع این کشور نمی‌باشد، اما این کشور می‌تواند با کاهش مراودات اقتصادی، عدم حمایت از برنامه هسته‌ای ایران و همچنین بازگشت به شورای همکاری خلیج فارس به تدریج روابط گرم خود با ایران را تعدیل کند.

به نظر می‌رسد که یکی از دلایل عمده قطع روابط دیپلماتیک برخی کشورهای عربی نظیر عربستان سعودی و امارات متحده عربی با قطر، نزدیکی این کشور به ایران است. همان‌گونه که در شروط سیزده‌گانه دول محاصره کننده ذکر شده بود، فاصله گرفتن قطر از ایران جز خواست‌های اساسی عربستان از قطر بوده و هست. تعادل نش به دست آمده نشان می‌دهد که در حال حاضر با توجه به عواملی چون: موقعیت جغرافیایی قطر، وسعت، جمعیت و وضعیت پرتنش و آنارشیک منطقه، بهترین استراتژی قطر می‌تواند ایجاد یک تعادل متمایل به عربستان در سیاست خارجی خود در قبال ایران و عربستان باشد. به عبارتی، این کشور باید تلاش کند استراتژی‌هایی را در عرصه سیاست خارجی خود اتخاذ کند که منجر به نزدیکی بیشتر به عربستان همراه با تامین رضایت نسبی ایران در معادلات منطقه‌ای گردد. در همین راستا، اگرچه شاهد بودیم که اتخاذ سیاست مستقل از ایران و عربستان در قبال بحران سوریه باعث نزدیکی مواضع این کشور به ترکیه شد، اما واقعیت آن است که عربستان و ایران همسایگان بزرگِ کشور کوچک قطر هستند و این امر برقراری سطحی از روابط با تهران و ریاض را اجتناب ناپذیر می‌کند و دوحه چاره‌ای جز پذیرش الزامات و تحدیدات ژئوپلتیکی ندارد. این نکته را نیز باید اشاره نمود که تغییر در مناسبات ایران و عربستان و عادی سازی احتمالی روابط آنها در آینده، خود متغیر بسیار مهمی در شکل‌دهی به سیاست خارجی قطر محسوب می‌گردد و می‌تواند بر نوع سیاست‌گذاری‌های دوحه در رابطه با تهران و ریاض تاثیر قابل توجه‌ای داشته باشد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

منابع

ابوالفتحی، محمد؛ رستمی، بنفشه، نادری، مسعود(۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی عربستان سعودی و قطر»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال ششم، شماره ۲٤، شماره ٥٤، صص ۳۳۰-۳۰۳.

اختیاری امیری، رضا (۱۳۹۳). «ریشه‌های تنش در روابط قطر و عربستان سعودی و چشم انداز شورای همکاری خلیج فارس»، *مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*.

اسدی، علی اکبر (۱۳۹۰). سیاست خارجی قطر و تحولات عربی: مبانی و مولفه‌ها، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، سال ۱۲، شماره ،صص ۱۱۸-۸۹.

تابناک (۱۰آذر ۱۳۹۷). «*قطر: قتل خاشقچی عملی وحشیانه بود*»، قابل دسترسی در : https://www.tabnak.ir/fa/news

درویش زاده، مهدی رضا (۱۳۹۳). *نظریه بازی در روابط بین‌الملل*، تهران: دانشگاه امام صادق.

دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷٤). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب: تهران: نشر قومس

خبرگزاری اسپوتینک (۲۰۱۸/۷/۲٤). «*سرمایه‌گذاری بزرگ قطر در حمایت از پایگاه نظامی آمریکا*»، قابل دسترسی در: https://ir.sputniknews.com/politics /

خبرگزاری ایرنا(۱۸/٤/ ۱۳۹۸). «*قراردادهای نظامی و تجاری بین آمریکا و قطر به امضا رسید*»، قابل دسترسی در: https://www.irna.ir/news

خبرگزاری تسنیم(۲۵ خرداد ۱۳۹۸). «*روحانی در دیدار امیر قطر: تهران خواهان توسعه بیش از پیش روابط با دوحه است*»، قابل دسترسی در: https://www.tasnimnews.com/fa/news

خبرگزاری تی آر تی (۲۰۱۸/۱۱/۵). «*قطر و انگلستان به تقویت همکاری نظامی دو کشور تاکید کردند*»، قابل دسترسی در: https://www.trt.net.tr/dari/dny/۰۵/۱۱/۲۰۱۸/

ساعی، احمد و عمادی سید رضی (۱۳۹۳). «تعامل اقتصاد، سیاست خارجی و امنیت دولت ذره ای قطر، قبل و پس از سال ۲۰۱۱»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، سال پنجم، شماره دوازدهم، صص ۳۹-۷.

سیف زاده، حسین (۱۳۹۰). *نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل مبانی و قالب‌های فکری*. انتشارات سمت.

شهریاری، سلطانعلی؛ فیروزان سرنقی، توحید و فرازمند، نیما (۱۳۹۸).« بررسی سیاست‌های نفتی ایران در اوپک بر اساس نظریه بازی‌ها»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال نهم، شماره اول، صص ۲۸-۱.

صادقی اول هادی، قاسمی فرهاد، پورجم بهاره(۱۳۹۵). مسابقه تسلیحاتی و مدیریت دفاع منطقه¬ای در میان کشورهای حوزه خلیج فارس (۱۹۹۰-۲۰۱۰). *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، مقاله ۳، دوره ۹، شماره ۳۵، پاییز ، صفحه ۱٤۰-۱۱۷.

مظاهری، محمد مهدی (۱۳۹٦)، « *سیاست خارجی نوین قطر*»، مرکز بین المللی مطالعات صلح، قابل دسترسی در: http://peace-ipsc.org/fa

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

وزارت امور خارجه، (۱۳۹۳). کتاب سبز قطر، ص ٤٦.
ونتسل، ی.س،(۱۳۷۳). *نظریه بازی‌ها و کاربرد آن در تصمیم گیری‌های استراتژیک*، ترجمه جلیل روشندل و علیرضا طیب، نشر قومس.
Abdullah Jamal (2014). "Qatari Position on the Arab Spring: Qatar's Foreign Policy from Neutrality to Influence", in Mohammed Badri Eid and Jamal Abdullah (eds), The Gulf in a Changing Strategic Context, Doha: Al Jazeera Center for Studies, 2014.pp:11
Abu Sulaib, Faisal Mukhyat (2017). "Understanding Qatar's Foreign Policy, 1995-2017", Middle East Policy, Vol. XXIV, No. 4, Winter 2017 Pp29-44.
Amin Hasan (1981). International and Legal Problems of the Gulf, London: Middle East and North study Press Ltd, P.131.
Brams Steven J (1975). Game Theory and Politics, (New York: The Free Press) op. cit., 50.
Coplin William D (1971). Introduction to International Politics: A Theoretical Overview (Chicago: Markham, 1971), pp. 258-269.
Burton John W. (1972). "Resolution of Conflict", International Studies Quarterly, Vol 16, pp. 5-30.
Cooper, Andrew F. and Bessma Momani (2011). Qatar and Expanded Contours of small state, Diplomacy, The International spevtor.Vol.46, No.3, pp. 113-128.
Coplin William D (1971). Introduction to International Politics: A Theoretical Overview (Chicago: Markham, 1971), pp. 258-269.
Elshenawy, Ahmed Adel (2017). Globalization's Effect on Qatari Culture, IAFOR Journal of Cultural Studies, Volume 2 – Issue 1, pp. 6-18.
Fax A.B., (1959). The Power of Small States: Diplomacy in World War11, Chicago: University of Chicago Press, p 187.
Fisher Len, (2008). .Rock, Paper, Scissors: game theory in everyday life, Published by Basic Books, New York.
Frankel Joseph (1973). Contemporary International Theory and the Behavior of State, New York: Oxford University Press, p.96. Abraham Kaplan, Mathematics and Social Analysis (1952) Commentary, VII September, 284.
Hvidt Martin, (2014). Economic Diversification in the GCC Countries: Past Record and Future Trends, Kuwait Programmed on Development, Governance and Globalization in the Gulf States, Research Paper No.27

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

Jervis, Robert (1978). "Cooperation Under the Security Dilemma", World Politics, Vol.30, pp. 167-214.

Kaussler, Bernd (2015). "Tracing Qatar's Foreign Policy Trajectory and its Impact on Regional Security", Arab Center for Research and Policy Studies, available at: https://www.dohainstitute.org/en/lists/ACRPS DFDocumentLibrary/Kaussler_on_the_Development_of_Qatari_Foreign_Policy.pdf

Katzman, Kenneth (2019). "Qatar: Governance, Security, and U.S. Policy", Congressional Research Service, available at: https://fas.org/sgp/crs/mideast/R44533.pdf

Kerr Simeon, (2017). "What is behind the extraordinary Gulf dispute with Qatar?" JUNE 5, 2017, Available on: https://www.ft.com/content/3c6b7224-49d0-11e7-a3f4-c742b9791d43

Maschler Michael and Gura, Ein-Ya (2008). Insights into Game Theory an Alternative Mathematical Experience, Cambridge University Press.

Myerson, Rager B (1991). Game Theory: Analysis of Conflict, Harvard University Press.

Millard Pierre, (1970). The Effect of China on Soviet-American Relation, "in Soviet-American Relation and World Order: The Two and the Many, Adelphi Paper, No.66 (London Institute for Strategic Studies).

Myerson, Rager B (1991). Game Theory: Analysis of Conflict, Harvard University Press.

Oye Kenneth A. (1985). "Explaining Cooperation under Anarchy: Hypotheses and Strategies", World Politics, Vol. 38, No. 1 (Oct., 1985), pp. 1-24.

Poundstone William, (1993). Prisoner's Dilemma, Oxford University Press, pp. 375-376.

Rabi Uzi, (2009). Qatar's relations with Israel: challenging Arab and Gulf norms, Middle East Journal 63: 3, Summer, pp. 443–59.

Rafizadeh Majid. (2017). "Consequences of Qatar Rapprochement with Iran and Turkey on US-Gulf Relations", 09/14/2017, Available on:https://www.huffingtonpost.com/entry/consequences-of-qatar-rapprochement-with-iran-and-turkey_us_59bab51ce4b02c642e4a1494.

Rapoport, Anatol. (1964). Strategy Conscience (New York: Harper & Row), pp.48-52. Saab, Bilal. (2014), "Break Up in the Gulf", Available on: https://www.foreignaffairs.com/articles/persian-gulf/2014-03-06/break-gulf

Sahika Kucukasci, Ebrar (20 MAY 2019). "The Saudi-led Blockade Won't End Enytime

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

Soon but Qatar has Moved on", Available at: https://www.trtworld.com/opinion/the-saudi-led

Schelling Thomas C.(1963) , The Strategy Of Conflict (New York: Oxford University Press, p. 15.

Shubic Martin (1964). Game for Society, Business and War, New York: Elsevier, p.37.

Shubik, Martin (1962). The Use and Misuse of Game Theory, Scientific American, CCVII (December 1962), p.110.

Snyder Gelen H.(1971). Prisoner's Dilemma and Chicken Models in International Politics, International Studies Quarterly. Vol. 15, No. 1, pp. 66-103

Solomon, Erika (JUNE 5, 2017) "The $1bn Hostage Deal That Enraged Qatar's Gulf Rivals", TRTWORLD, Available at: https://www.ft.com/content/dd033082-49e9-11e7-a3f4-c742b9791d43.

Steinberg, Guido (2012, 28 September). Qatar and the Arab Spring, SWP Comments, in<http://www.swp_berlin.org/en/publications/swp_comments_en/swp_aktuelle_Details/article/qatar_and_the_arab_spring.html

Ulrichsen Coates, Kristian, (2012). Small states with a big role: Qatar & United Arab Emirates in the wake of Arab Spring", Durham UNI Press, October 2012, Sheikh Nasser Al-Sabah Programme, Durham

Wagner.R. Harrison (1986), "The Theory of Game and The Balance of Power" World Politics, 38 (October 1986), 547.

Wehrey Frederic (2014). Sectarian Politics in the Gulf: From the Iraq War to the Arab Uprisings, New York, Young Karen.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۳۰۱

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

اختیاری امیری، رضا؛ رشیدی، احمد؛ محمدی، محمدرضا (۱۳۹۸)، «تحلیل بهترین انتخاب سیاست خارجی قطر در قبال ایران و عربستان سعودی در چارچوب نظریه بازی‌ها» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۹، ش۳، پاییز۹۸، صص ۳۳-۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]